

بررسی مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارگر ناشی از حوادث کار

رضا غلامی دوست^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده

مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر، در مورد حوادثی است که در حین کار برای او پیش می‌آید و موجب خسارت‌ها و صدماتی به او می‌شود. در این مورد نیز قانونگذار پیش بینی کرده است که اگر این خسارت‌ها ناشی از حوادث کار باشد، کارفرما مسئول جبران خسارت‌های کارگر است. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای صورت گرفته چنین نتیجه گرفته می‌شود که، بر اساس ماده ۹۵ قانون کار، مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشتی کار بر عهده کارفرما یا مسئولان واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵ این قانون خواهد بود. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این که ممکن است کارفرما به طور مستقیم دخالتی در ورود خسارت نداشته باشد اما از باب حمایت از کارگر، قانونگذار کارفرما را مکلف به جبران خسارت کرده و به همین دلیل به خصوص در برخی فعالیت‌ها الزاماتی برای بیمه کردن کارگر وجود دارد. قانونگذار در ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرمایان کارگاه‌های مشمول این قانون را مکلف نموده که بر اساس قانون تأمین اجتماعی، نسبت به بیمه کردن کارگران واحد خود اقدام کنند. بر این اساس، هر کارفرمایی مکلف است کارگران ثابت و دایم خود را بیمه کند تا اگر خسارتی در حین کار به کارگر وارد شد، از طریق بیمه جبران شود. حال پرسش اصلی تحقیق این است که، مبنای مسئولیت کارفرما در قبال خسارت وارده به کارگران چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، مبنای مسئولیت کارفرما و سازمان تأمین اجتماعی در قبال خسارت وارده بر کارگران در محیط کار در صورت تقصیر مسئولیت بوده و می‌بایست نسبت به جبران خسارت اقدام نماید.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، کارفرما، حوادث کار، کارگر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با توجه به اینکه نظریات متفاوتی در خصوص مبانی و نحوه مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر در حقوق داخلی و همچنین حقوق خارجی مطرح شده است و البته اکثر حقوقدانان قائل به تئوری فرض تقصیر در مسئولیت کارفرما می باشند. لذا تحلیل این موضوع در این قسمت شایسته می باشد. ابتدا باید یادآور شویم در این بحث دو مسأله مطرح است: یکی مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر و دیگری مسئولیت کارفرما در مقابل اشخاص ثالث و بحث فرعی موجود نیز امکان رجوع کارفرما به کارگر مقرر می باشد. به موجب ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود؛ کارفرما می تواند به وارد کننده خسارت، در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.» مفاد این ماده که در حقوق ما تازگی دارد بر مصالح گوناگون اجتماعی مبتنی است: قانونگذار خواسته است کسانی را که در نتیجه فعالیت کارخانه ها و کارگاه ها زیان می بینند، در مقام جبران خسارت، با کارگران و کارمندان روبرو نسازد و زبانی را جبران نشده باقی نگذارد. (بادینی، ۱۳۸۹: ۸۲)

به تعبیری عدالت اجتماعی اقتضا دارد کسی که از کار کارگاه ها، سود می برد باید زیان های ناشی از آن را نیز تحمل کند. به اضافه چون اداره کارگاه با کارفرماست و او باید کار را به کاردان بسپارد و نظمی برقرار سازد که از وارد شدن زیان به دیگران جلوگیری شود، طبیعی است کارفرما باید سبب قوی تر شمرده شود و سهم او نیز در این راه محاسبه گردد. بر این نظریه ایرادی وارد است. اگر این نظریه مبنای مسئولیت باشد، چگونه زیان دیده می تواند علیه گماشته (کارگر یا کارمند) مستقیماً اقامه دعوی نماید و در صورت تأدیه خسارت توسط کارفرما، حق رجوع به گماشته را داشته باشد. می بایست خاطر نشان کرد که قانونگذار اینجا قائل به نظریه خطر نبوده است زیرا اگر چنین بود، اثبات بی تقصیری کارفرما نیز نمی بایست او را از چنین مسئولیتی معاف سازد. اگر چه بعضی از حقوقدانان داخلی نیز تصور کرده اند که قانونگذار برای کارفرما مسئولیت مبتنی بر خطر ایجاد کرده است، اما به نظر می رسد اینگونه نباشد زیرا اگر چنین بود، اثبات بی تقصیری کارفرما، نباید وی را از مسئولیت معاف می ساخت؛ حال آنکه بند دوم ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که بیان می کند: «... مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط های مزبور را به عمل آورده است...» باید اذعان نمود که برای کارفرما فرض تقصیر شده است، به این معنا که اگر از فعل کارگر خسارتی به بار آید چنین فرض می شود که او در انتخاب کارگر شایسته و پیشگیری از ضرر به غیر، احتیاط لازم را انجام نداده است. به همین سبب اگر معلوم شود وی تمام احتیاط های لازم را بر مبنای اوضاع و احوال مبذول داشته است، از مسئولیت بری خواهد شد. به عبارت دیگر برای اینکه نظریه ایجاد خطر و رعایت عدالت اجتماعی در ایجاد فرض مسئولیت برای کارفرما اثر قاطع داشته باشد، باید پذیرفت که ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی با نظریه تقصیر بیشتر سازگار است. زیرا اگر نظریه خطر مبنای مسئولیت باشد اثبات اینکه کارفرما رعایت احتیاط های لازم را نموده است در قضیه مؤثر نیست و موجب معافیت وی از مسئولیت مدنی نمی گردد.

قید "به مناسبت انجام کار" در ماده ۱۲ برای این است که اگر کاری در زمره لوازم انجام وظایف کارگر باشد، زمانی که کارگر به انجام آن می پردازد در حکم وقتی به حساب آید که بکار اصلی خود مشغول است. برای مثال اگر ماشین کارخانه نیاز به تعمیر داشته باشد و کارگر ناچار شود که آن را به تعمیرگاه برد، حادثی که هنگام رفت و آمد کارگر رخ می دهد مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی است و زیانهای وارد شده به اشخاص ثالث را باید کارفرما جبران کند، مگر اینکه ثابت شود

تقصیری نداشته است. برخی معتقدند با اینکه مسئولیت کارفرما به منظور تضمین دین کارگر به وجود آمده است، ولی از مفاد ماده ۱۲ چنین برمی آید که زیان دیده به طور مستقیم حق دارد به کارفرما رجوع کند و نیازی به اثبات تقصیر کارگر ندارد. کارفرما نیز، برای رهایی از این مسئولیت باید ثابت کند که خود او احتیاط های لازم را بجا آورده است و احراز بی تقصیری کارگر او را معاف می سازد. در واقع، بر خلاف آنچه ادعا شده است مسئول بودن کارگر و کارفرما با هم ملازمه ندارد. زیرا احتمال دارد که عیوب ابزار کار یا موادی که از طرف کارفرما در اختیار او واگذار شده است، زیان را به بار آورد. پس باید پذیرفت که مسئولیت کارفرما مخلوطی از مسئولیت ناشی از فعل کارگر و اعمال مربوط به خود او است. (غمامی، ۱۳۷۶: ۳۶)

به همین جهت نیز، رجوع کارفرما به کارگر مشروط بر این است که کارگر مطابق قانون مسئول شناخته شود و مفهوم این شرط به خوبی نشان می دهد که ممکن است کارگر مسئول نباشد و با وجود این کارفرما به جبران خسارت محکوم شود. با وجود این، باید دانست که چون کارگر مباشر ورود ضرر است چگونگی کار او در مسئولیت کارفرما نقشی اساسی دارد. چنانکه اگر ثابت شود قوه قاهره و یا فعل شخص ثالث علت ورود زیان بوده است کارفرما نیز از مسئولیت بری می شود زیرا او مسئول زیان هایی است که کارگر یا کارمند سبب اصلی آن بوده است. همچنین اثبات این امر که کارگر در نتیجه دفاع مشروع یا اجبار به دیگری ضرر زده است، کارفرما را در اثبات رعایت احتیاط های لازم یاری می دهد و اماره تقصیر را نسبت به او سست می کند. بخش اخیر ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی به کارفرما اجازه داده است که پس از جبران خسارت اشخاص ثالث، به کارگر یا کارمندی که زیان را وارد کرده است رجوع کند. (بادینی، ۱۳۸۹: ۹۹) این قاعده نشان می دهد که مسئولیت کارفرما جنبه ی تضمینی دارد و مدیون واقعی خسارت که در نتیجه تقصیر کارگر به بار آمده خود اوست. به همین دلیل هم باید پذیرفت که حکم ماده ۱۲ مانع از رجوع زیان دیده به کارگر نیست.

کارگر- ماده ۲ قانون کار - کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می کند. (ماده ۲ قانون کار)

کارفرما- ماده ۳ قانون کار - کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق السعی کار می کند. مدیران و مسئولان و به طور عموم کلیه کسانی که عهده دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب می شوند و کارفرما مسئول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده میگیرند. در صورتی که نماینده کارفرما خارج از اختیارات خود تعهدی بنماید و کارفرما آن را نپذیرد در مقابل کارفرما ضامن است. (ماده ۳ قانون کار)

کارگاه- ماده ۴ قانون کار - کارگاه محلی است که کارگر به درخواست کارفرما یا نماینده او در آن جا کار می کند، از قبیل مؤسسات صنعتی، کشاورزی، معدنی، ساختمانی، ترابری، مسافری، خدماتی، تجاری، تولیدی، اماکن عمومی و امثال آنها. کلیه تأسیساتی که به اقتضای کار متعلق به کارگاه هستند، از قبیل نمازخانه، ناهارخوری، تعاونیها، شیرخوارگاه، مهد کودک، درمانگاه، حمام، آموزشگاه حرفه ای، قرائتخانه، کلاسهای سوادآموزی و سایر مراکز آموزشی و اماکن مربوط به شورا و انجمن اسلامی و بسیج کارگران، ورزشگاه و وسایل ایاب و ذهاب و نظایر آنها جزء کارگاه می باشند. (ماده ۴ قانون کار)

مسئولیت مدنی

مسئولیت در لغت به معنای مورد پرسش و سوال واقع شدن است. (آقایی، ۱۳۸۲: ۲۰۱) در تعریف اصطلاحی مسئولیت نیز آمده است "تعهد قانونی شخص است به دفع ضرر دیگری که وی به او وارد آورده است؛ خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد". (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۲۵) یکی دیگر از حقوقدانان در تعریف مسئولیت می گوید: "عبارت است از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل

شخص مسئول و یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد" (حسینی نژاد، ۱۳۷۷: ۲۶)

در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. یکی دیگر از حقوقدانان آورده است که مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود عبارت است از مسئولیت جبران خسارت ناشی از رفتارهای زیان بار. (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۱) هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران ضرر زیان دیده است و اهداف دیگر، مانند تنبیه فاعل زیان یا بازدارندگی نسبت به سایر اقدامات زیان بار که در مسئولیت کیفری از جمله اهداف اصلی می باشد. در مسئولیت مدنی نقش فرعی ایفا می کنند. در هر حال با توجه به ماهیت و اهداف مسئولیت مدنی اصل «جبران خسارت» را می توان یکی از مهم ترین اصول مسئولیت مدنی تلقی کرد. به همین دلیل در مفهوم مسئولیت مدنی، شرط عمده یا سوء نیت فاعل زیان مطرح نمی شود، زیرا آنچه در درجه اول در قواعد مسئولیت مدنی اهمیت دارد آن است که زیان، جبران گردد، خواه ورود زیان عامدانه و عالمانه باشد خواه از روی اشتباه و جهل، نکته دیگر اینکه تعبیر «مسئولیت مدنی» که اکنون در حقوق ما، تعبیری شایع و متداول می باشد در اصل به خانواده حقوق رومی-ژرمنی تعلق دارد و پس از تصویب قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ کاربرد بیشتری پیدا کرده است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

ارکان مسئولیت مدنی

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه عنصر در همه حال ضروری است: ۱- وجود ضرر ۲- ارتکاب فعل زیان بار ۳- رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر

وجود ضرر

ضرر یا زیان یا خسارت، نخستین رکن مسئولیت مدنی است. در مفهوم ضرر گفته اند: «ضرر عبارت است از نقص در اموال یا از دست دادن منافع مسلم یا لطمه به سلامت و حیثیت و عواطف شخص که به قسم مادی و معنوی قابل تقسیم است». (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۸۶) بر اساس یک تقسیم بندی که برای ضرر یا خسارت انجام شده است، آن را به دو قسم مادی و معنوی تقسیم نموده اند. منظور از خسارت مادی خسارتی است که به اعیان و منافع و حقوق اموال وارد می شود و به عبارت دیگر خسارتی که بطور معمول قابل تقویم به پول باشد. خسارت معنوی، خسارتی است که قابل تقویم به پول نمی باشد و بطور کلی صدمات روحی و لطماتی را به حیثیت، شخصیت اعتبار تجاری و شغلی اشخاص وارد می شود را شامل می گردد. لازم به ذکر است امکان مطالبه خسارت مادی بدیهی است و بحثی در آن نشده است اما در خصوص مطالبه خسارت معنوی هنوز رویه واحدی وجود ندارد.

ارتکاب فعل زیان بار

مسئولیت مدنی بدون فعل محقق نمی شود. به عبارت دیگر مسئولیت مدنی اعم از اینکه مبتنی بر تقصیر باشد یا بر مبنای خطر، فعل زیان آور شرط تحقق آن است، منتها در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، این فعل لازم است تقصیر محسوب شود (صفایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

همانگونه که قبلاً ذکر شد، در هر مورد که از کاری به دیگران زیان برسد مسئولیت مدنی ایجاد نمی شود باید کار زیان بار در نظر اجتماع ناهنجار باشد و مخالف نظم عمومی باشد در پاره ای از قوانین، مانند قانون مدنی فرانسه مفهوم «تقصیر» را برای بیان نا مشروع بودن کار، کافی دانسته اند. زیرا ارتکاب تقصیر در نظر قانون یا عرف ناپسند و شایسته نکوهش است و دیگر نیازی به تصریح دوباره نیست. مقصود از فعل زیان بار انجام دادن یک عمل فیزیکی صرف نیست بلکه اعمال و فعالیت های

اعتباری شخص را نیز شامل می شود. این فعل زیان بار می تواند به صورت عملی ممنوع باشد همانند ارتکاب جرم و یا ناشی از بی مبالاتی و بی احتیاطی باشد و در هر دو صورت مرتکب باید زیان های وارده را جبران نماید. (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۸۴)

فعل زیان بار در مسئولیت قراردادی

قرارداد، قانون خصوصی طرفین است و در حدود مدلول خود که حاصل اراده انشایی طرفین است، بر اراده ایشان حکومت دارد لذا ایفای تعهد قراردادی طبق مفاد قرارداد بهترین راه برائت ذمه طرفین است. هر گونه تخلفی ولو جزئی از مفاد قرارداد، به منزله نقض تعهد بوده و ضمان به همراه دارد. بنابر این در حوزه مسئولیت قراردادی فعل زیان بار در عهد شکنی متبلور می گردد. تخلف از مفاد قرارداد صور مختلفی دارد که کاملترین آن فرضی است که متعهد قراردادی نه تنها عمل مورد تعهد را ایفا نمی کند بلکه اجرای تعهد در آینده نیز امکان پذیر نمی باشد. این فرض به لحاظ اینکه به هیچ وجه ایفای تعهد محسوب نمی شود، تخلف قراردادی است. در این حالت عهد شکنی، متعهد را صرفا ملزم به انجام خسارت می کند اما در صورتی که اجرای تعهد قراردادی همچنان ممکن باشد، در کنار پرداخت خسارت به انجام عین تعهد نیز ملزم خواهد شد. مواد ۱۳۷ و ۲۳۸ قانون مدنی نشان گر این ضمانت اجرای اولیه قرارداد یعنی الزام به انجام عین تعهد می باشد. در خصوص مفهوم تقصیر قراردادی برخی از حقوقدانان و دیدگاه عمده را مطرح کرده اند: ۱- صرف اجرا نشدن قرارداد تقصیر است. ۲- اجرا نشدن قرارداد اماره تقصیر است. (کاتوزیان ۱۳۸۴: ۱۵۰)

برای مسئولیت قراردادی متعهد له، اصولا نیازی به اثبات تقصیر متعهد در عدم ایفای تعهد نیست مگر در موارد مصرح قانونی از جمله عقود امانی و متعهد مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی تنها در صورت اثبات دخالت قوه خارجی در وقوع زیان از مسئولیت تبرئه می گردد؛ بنابراین زیان دیده طبق این مواد به اثبات تقصیر فاعل زیان نیازی ندارد. طرفداران این نظریه لزوم تحقق عنصر تقصیر برای تحقق مسئولیت را قبول دارند؛ اما وجود آن را در نظر قانونگذار مفروض تلقی کرده اند و متعهد له را بی نیاز از اثبات آن دانسته اند. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۲۴)

مخالفان این نظریه را بیان داشته اند که اولاً اگر قانونگذار لزوم وجود تقصیر در مسئولیت قراردادی را همچون مسئولیت قهری لازم می دانست، بدان تصریح می کرد در حالیکه چنین حکمی مقرر نشده است. ثانیاً مفروض تلقی شدن تقصیر متعهد قراردادی، این تالی فاسد را به دنبال دارد که اثبات عدم تقصیر می بایست موجب برائت ذمه متعهد گردد و اثبات دخالت حادثه خارجی تنها یکی از صور عدم تقصیر متعهد است. در حالی که در قانون مدنی متعهد تنها با اثبات دخالت قوه قاهره از مسئولیت مبری می گردد و اثبات عدم تقصیر کفایت نمی کند. (اصلانی، ۱۳۸۴: ۱۱)

فعل زیان بار در مسئولیت قهری

مسئولیت قهری در قبال افعالی که منجر به ورود خسارت به دیگران می شود، برای فاعل آن به وجود می آید. این افعال هم "فعل" و هم "ترک فعل" را شامل می شود. لذا در مسئولیت قهری نیز ارتکاب فعل زیان بار چه به صورت منفی و چه مثبت لازم می باشد. این فعل زیان بار می بایست موجب ایراد ضرری نامشروع بدون مجوز قانونی (اعم از قوانین عادی، قانون اساسی، اساسنامه ها، آیین نامه ها) گردد. گاهی قانونگذار مجوز ارتکاب افعالی را در شرایط خاصی صادر کرده است، لذا در این شرایط تعیین شده اضرار به غیر موجب تحقق مسئولیت نمی گردد. در خصوص معیار تشخیص تقصیر در مسئولیت قهری می توان گفت در بحث تقصیر در مسئولیت قهری از آنجا که، بنا به فرض، رابطه از پیش تعیین شده قراردادی میان طرفین دعوی وجود ندارد تا بتوان به آن مراجعه کرد، لاجرم مراد از شخصی بودن تقصیر، در نظر گرفتن خصوصیات شخصی زیان زنده در

ارتکاب فعل زیان بار و منظور از عینی بودن، مقایسه عمل این شخص با معیار انسانی نوعی و متعارف است. در نهایت باید خاطر نشان نمود که در منابع مختلف مسئولیت مدنی همچون اتلاف و تسبیب و... نقش تقصیر یکسان نیست.

وجود رابطه سببیت

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و تقصیر یا فعل زیان بار کافی نیست، بلکه باید رابطه سببیت یا علیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار وجود داشته باشد. به عبارت دیگر وجود رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان بار سومین رکنی است که برای تحقق هر نوع مسئولیت اعم از قراردادی و قهری لازم است. معمولاً زیان دیده جهت اثبات تقصیر در صدد اثبات خطایی بر می آید که باعث ورود ضرر به وی شده است؛ در نتیجه در اکثر موارد اثبات تقصیر، اثبات رابطه سببیت نیز می باشد. در موارد مسئولیت مبتنی بر خطای مفروض یا خطای فارغ از اثبات مثل مسئولیت مراقب حیوان در قانون فرانسه و مصر، نیازی به اثبات تقصیر نیست ولی زیان دیده با اثبات دخالت قوه قاهره می تواند رابطه سببیت را نفی نماید. یعنی پس از ارتکاب فعل زیان بار و ورود خسارت، می بایست رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان بار اثبات گردد تا فاعل زیان، مسئول جبران خسارت شود به عبارت دیگر تقصیر در صورتی واقعاً موجب مسئولیت می شود که منشا زیان باشد، بنابراین وجود رابطه سببیت میان تقصیر و زیان، شرط دیگر مسئولیت است. (زوردن، ۱۳۸۶: ۶۴)

شرایط تحقق مسئولیت مدنی کارفرما در قبال خسارت وارده به کارگر

برای اعمال قانون مدنی که مسئولیتی خاص را مقرر می دارد و کارفرما را به دلیل خساراتی که کارگران او به اشخاص ثالث وارد کرده اند مسئول به شمار می آورد، شرایطی لازم است. این شرایط از ماده ۱۲ ق.م.م بر می آیند. این نکته را باید متذکر شویم که تحقق شرایط مسئولیت کارفرما به معنای آن نیست که امکان مطالبه خسارت از خود کارگر وجود ندارد، بلکه قانونگذار در واقع خواسته است تا علاوه بر مباشر و عامل اصلی زیان، کارفرما نیز مسئول باشد. البته در عمل بصورت طبیعی زیان دیده به سراغ کسی خواهد رفت که توان مالی جبران خسارت را دارد و به علاوه چون تقصیر کارفرما مفروض است اثبات مسئولیت او آسان تر است. (مولاکرمی، ۱۳۹۵: ۴۶) این شرایط عبارتند از:

وجود رابطه کارگری-کارفرمایی

اولین شرط شرایط تحقق مسئولیت مدنی کارفرما در قبال خسارت وارده به کارگر آن است که واقعا رابطه کارگری و کارفرمایی وجود داشته باشد و شخصی که با فعل یا ترک فعل خود به دیگری ضرر زده، کارگر بشمار آید. کارگر از لحاظ قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می کند. کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق السعی کار می کند. مدیران و مسئولان و به طور عموم کلیه کسانی که عهده دار اداره کارگاه هستند نماینده کارفرما محسوب می شوند و کارفرما مسئول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می گیرند (لورسا، ۱۳۷۵: ۷۴)

نکته دیگری که در این خصوص شایان توجه است، آن است که ممکن است چند شخص هم زمان یا پی در پی به یک نفر دستور بدهند. در این موارد تعیین کارفرما دشوار است، مانند پرستاری که از سوی بیمارستان در اختیار جراحیا متخصص بیهوشی گذاشته می شود یا راننده ای که از سوی موسسه مسافربری به همراه اتومبیل در اختیار دیگری قرار می گیرد یا افراد استخدام شده توسط یک شرکت که برای ارایه خدمات به منزل یا محل کار اشخاص فرستاده می شوند. در این موارد چنانچه قرارداد صریحی وجود داشته باشد که مشخص کند، براساس اراده طرفین، چه کسی قدرت دستور دادن به کارکنان را دارد، برطبق آن عمل می شود؛ در غیر اینصورت لازم است که تا دادگاه بر اساس اوضاع و احوال هر مورد مشخص کنند چه شخصی

از قدرت دستوردادن برخوردار بوده است تا او کارفرما محسوب شود. به هر حال صرف استفاده از فعالیت کارگر، برای تشخیص کارفرما کافی نیست. (همان: ۱۲۷)

فعل زیانبار کارگر

برای آنکه کارفرما مسئول شناخته شود لازم است تا خساراتی از فعل یا ترک فعل کارگر به بار آمده باشد، یعنی خسارت باید منتسب به کارگر بوده و با فعل یا ترک فعل او رابطه سببیت عرفی داشته باشد.

سوالی که می توان مطرح نمود آن است که آیا علاوه بر وجود رابطه سببیت میان ضرر وارد بر ثالث و فعل کارگر، اثبات تقصیر کارگر نیز برای تحقق مسئولیت کارفرما ضروری است؟ قانون کار در این باره ساکت است و به همین دلیل دو احتمال به ذهن خطور می کند: اولی اینکه بگوییم طبق قواعد عمومی مسئولیت، به ویژه ماده ۱ ق.م.م لازم است که تقصیر کارگر به اثبات برسد تا کارفرما مسئول به شمار آید؛ زیرا مسئولیت کارفرما جنبه تبعی دارد و فرع بر مسئولیت کارگر است و بطور طبیعی وقتی کارفرما مسئول تلقی می شود که تقصیر کارگر به اثبات برسد. در حقوق فرانسه همین نظریه پذیرفته شده است.

احتمال دیگری که به ذهن می رسد آن است که بگوییم چون قانون مسئولیت مدنی بیشتر برگرفته از قانون تعهدات سوئیس است و در آن قانون اثبات تقصیر کارگر جزو شرایط مسئولیت کارفرما نیست و به علاوه هدف قانونگذار از وضع ماده ۱۲ و فرض تقصیر کارفرما، حمایت از زیان دیده و معاف نمودن او از اثبات تقصیر بوده است، اثبات تقصیر کارگر برای رجوع به کارفرما لازم نیست و حتی اثبات بی تقصیری کارگر از سوی کارفرما موجب رفع مسئولیت از او نمی شود، زیرا ممکن است خسارت، معلول نقص وسایل کار بوده یا ناشی از دستورات و تعلیم غلطی بوده است که به کارگر داده شده و تقصیری متوجه کارگر نباشد. (مولاکرمی، ۱۳۹۵: ۴۸)

ورود ضرر به هنگام کار یا به مناسبت آن

شرط دیگر مسئولیت کارفرما در قبال خسارت وارد از فعل یا ترک فعل کارگر به اشخاص ثالث آن است که خسارت در حین کار یا به مناسبت آن وارد شده باشد. ماده ۶۰ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ که حوادث ناشی از کار را تعریف می کند، «حین کار» را هم توضیح می دهد: حوادث ناشی از کار حادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می افتد. مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاهها مؤسسات وابسته یا ساختمانها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده دار انجام مأموریتی باشد. اوقات مراجعه به درمانگاه و یا بیمارستان و یا برای معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب می گردد مشروط بر اینکه حادثه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد حادثی که برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می افتد حادثه ناشی از کار محسوب می شود. به نظر می رسد که در این ماده دو اصطلاح "در حین کار" و "به مناسبت آن" مخلوط شده است و می توان گفت: مواردی مانند حوادث در اوقات مراجعه به درمانگاه یا بیمارستان یا اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه در حین انجام کار به شمار نمی آید بلکه به مناسبت آن محسوب می شود.

به هر حال منظور از "به مناسبت انجام کار" نیز آن است که خسارت هنگامی رخ می دهد که کارگر مشغول انجام کاری است که جزء وظایفش نیست، ولی مرتبط با وظیفه اش است؛ پس اگر کارگر در غیر ساعت کار، مثلا هنگام گردش با اتومبیل اختصاصی خود زبانی به دیگری وارد کند کارفرما مسئول آن نخواهد بود، ولی اگر کارگر در زمانی که مقدمات انجام دادن کار را

فراهم می کند، مثلاً هنگامی که نردبانی را برای انجام دادن کار تهیه کرده و به سوی محل کار می رود، بر اثر بی احتیاطی به دیگری آسیبی برساند، زیان دیده می تواند برای جبران خسارت به کارفرما رجوع کند. (مولاکرمی، ۱۳۹۵: ۵۰)

مصادیق تحقق مسئولیت مدنی کارفرما در قبال خسارت وارده به کارگر

مصادیق فرض تقصیر کارفرما در مسئولیت قراردادی

مصادیق فرض تقصیر در مسئولیت قراردادی شامل مواردی است که در قانون مدنی به شرح زیر آمده است.

فرض تقصیر و فرض سببیت در ماده ۲۲۷ قانون مدنی

در ماده ۲۲۷ قانون مدنی آمده است: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مربوط به او نمود» در ادامه مطلب در ماده ۲۲۹ آمده: «اگر متعهد به واسطه حادثه که رفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود» این مواد را می توان با دو استدلال تحلیل نمود. اول اینکه منظور قانونگذار این بوده است صرف عهد شکنی در حکم تقصیر متعهد است، بنابراین در این دیدگاه تقصیر متعهد به صرف عدم انجام تعهد در مهلت مقرر، محقق است، در نتیجه لازم نیست به صورت فرض قانونی درآید بلکه آنچه مفروض است رابطه سببیت بین عدم انجام تعهد و ورود ضرر است که با اثبات دخالت قوه قاهره، متعهد این رابطه سببیت را قطع نموده و از مسئولیت مبری می شود و دوم اینکه عدم انجام تعهد، اماره تقصیر است یعنی تقصیر در مفهوم تعدی و تفریط بکار برده شده و می توان با اثبات خلاف آن یعنی اثبات عدم تقصیر از مسئولیت مبری شد. همانگونه که بیان گردید در صورت پذیرش قول اول دیگر اثبات عدم تعدی و تفریط یا به عبارتی اثبات عدم تقصیر هیچگونه اثری نخواهد داشت و متعهد تنها با اثبات فورس ماژور می تواند از مسئولیت مبری شود یعنی ثابت کند که علتی خارجی که می تواند تقصیر خود متعهدله نیز باشد، مانع ایفای تعهد شده است. یکی از حقوقدانان در تایید نظر اول چنین می نویسد: "در قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی نامی از "تقصیر" به معنای مرسوم خود برده نشده است و همه جا سخن از نقض تعهد است. بعلاوه اثبات بی تقصیری متعهد، آثار عهدشکنی را از بین نمی برد، و به چیزی زیادتر از بی تقصیری نیاز دارد و باید ثابت کند که حادثه خارجی و احتراز ناپذیر مانع از وفای به عهد شده است، با وجود این چون عهد شکنی مباح نیست و ایجاد مسئولیت می کند باید پذیرفت که عدم اجرای عقد در نظر قانونگذار، خود تقصیر است؛ مشروط به اینکه منسوب به تعهد باشد. به همین جهت هم متعهد در صورتی از دادن خسارت معاف می شود که ثابت کند مانع اجرای عقد، حادثه ای خارجی و احتراز ناپذیر است و عهدشکنی را نباید به او نسبت داد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۷۸)

فرض تقصیر متعهد در ماده ۲۲۷ قانون مدنی با لحاظ ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی

به عقیده برخی از اساتید، قانونگذار ایران در ماده ۲۲۷ قانون مدنی برای متعهد فرض تقصیر در نظر گرفته و عدم انجام تعهد را تقصیر می شمارد، در نتیجه متعهد له نیازی به اثبات تقصیر متعهد ندارد و متعهد نیز با اثبات عدم تقصیر خود نمی تواند از مسئولیت مبری شود بلکه تنها با اثبات فورس ماژور است که می تواند بار مسئولیت را از دوش خود بردارد؛ اما در ماده ۵۲۰ آیین دادرسی مدنی آمده است که: "در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر اینصورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد." یعنی در این ماده خسارت تأخیر در انجام تعهد یا عدم انجام تعهد، در صورتی قابل مطالبه اعلام شده است که به علت تقصیر خواننده در ادای حق یا امتناع از آن، به خواهان وارد شده باشد بدون اینکه وجود تقصیر، مفروض تلقی شده باشد

یعنی خواهان برای اثبات ادعای خود می بایست ثابت کند که وجود تقصیر متعهد موجب خسارت به وی شده است و شاید اینگونه استنباط شود که با توجه به تعارض موجود و موخر بودن قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۵۲۰ ناقض ماده ۲۲۷ قانون مدنی است که البته یکی از مخالفان چنین استدلال می نماید که "این استدلال ضعیف است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۳۶) چرا که در مطالب بیان شده در این دو ماده، تعارض غیر قابل جمع وجود ندارد چرا که آنچه در ماه ۵۲۰ مورد نظر است لزوم وجود تقصیر است و چگونگی اثبات این تقصیر مسکوت مانده است. بنابراین با وجود ماده ۲۲۷ باید پذیرفت که وجود تقصیر در شخص متعهد، مفروض است مگر اینکه خلاف آن بوسیله متعهد اثبات گردد. پس تعارضی با شرط بودن تقصیر در مسئولیت متعهد ندارد." (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۳۷) مباحث ذکر شده زمانی مطرح می شود که ما قائل به پذیرش فرض تقصیر در مسئولیت قراردادی باشیم اما اگر این فرض را نپذیریم، این تعارض مطرح نخواهد شد.

مصادیق فرض تقصیر کارفرما در مسئولیت قهری

مصادیق فرض تقصیر در مسئولیت قهری مواردی است که ذیلا بدان می پردازیم.

مسئولیت ناشی از فعل شخصی

شخص، مسئول اعمالی است که انجام می دهد، این مسئولیت مبتنی بر تقصیری است که عموماً مفروض نیست بلکه باید اثبات شود. قاعده عمومی که در ماده یک قانون مسئولیت مدنی ایران نیز پذیرفته شده است همین است و به موجب آن متعهد له یا متضرر می بایست تقصیر متعهد یا فاعل زیان را در ورود خسارت به اثبات برساند.

مسئولیت ناشی از فعل غیر

گاهی قانونگذار به فراخور موضوعات مختلف برای شخص، مسئولیتی قرار داده که ناشی از فعل خودش نبوده بلکه در مقابل عملی است که شخص دیگر مرتکب شده است.

مسئولیت کارفرما نسبت به اعمال کارگران و کارکنان مبتنی بر فرض تقصیر

با توجه به اینکه نظریات متفاوتی در خصوص مبانی و نحوه مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر در حقوق داخلی و همچنین حقوق خارجی مطرح شده است و البته اکثر حقوقدانان قائل به تئوری فرض تقصیر در مسئولیت کارفرما می باشند (کاتوزیان ۱۳۸۴، ۱۵۳) لذا تحلیل این موضوع در این قسمت شایسته می باشد. ابتدا باید یادآور شویم در این بحث دو مسأله مطرح است: یکی مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر و دیگری مسئولیت کارفرما در مقابل اشخاص ثالث و بحث فرعی موجود نیز امکان رجوع کارفرما به کارگر مقصر می باشد. به موجب قانون مسئولیت مدنی: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود؛ کارفرما می تواند به وارد کننده خسارت، در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.» مفاد این ماده که در حقوق ما تازگی دارد بر مصالح گوناگون اجتماعی مبتنی است: قانونگذار خواسته است کسانی را که در نتیجه فعالیت کارخانه ها و کارگاه ها زیان می بینند، در مقام جبران خسارت، با کارگران و کارمندان روبرو نسازد و زبانی را جبران نشده باقی نگذارد.

به طور کلی طرفداران این نظریه معتقدند که کارفرما به دلیل سود بردن از کار کارگر موظف به تحمل مسئولیت عمل وی می باشد. (غمامی، ۱۳۷۶: ۴۲) اگر چه بعضی از حقوقدانان داخلی نیز تصور کرده اند که قانونگذار برای کارفرما مسئولیت مبتنی بر خطر ایجاد کرده است، (طباطبائی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۱) اما به نظر می رسد اینگونه نباشد زیرا اگر چنین بود، اثبات بی

تقصیری کارفرما، نباید وی را از مسئولیت معاف می ساخت؛ حال آنکه بند دوم ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی که بیان می کند: «... مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط های مزبور را به عمل آورده است...» باید اذعان نمود که برای کارفرما فرض تقصیر شده است، به این معنا که اگر از فعل کارگر خسارتی به بار آید چنین فرض می شود که او در انتخاب کارگر شایسته و پیشگیری از ضرر به غیر، احتیاط لازم را انجام نداده است. به همین سبب اگر معلوم شود وی تمام احتیاط های لازم را بر مبنای اوضاع و احوال مبذول داشته است، از مسئولیت بری خواهد شد. (احمدوند، ۱۳۸۴: ۱۷)

ارکان تحقق مسئولیت کارفرما

برای تحقق مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به جبران صدمات وارده به کارگران باید ارکان و شرایطی جمع باشند که اثبات آنها بر عهده کارگر است.

مسلم بودن ضرر

به این معنا که زیان پدید آمده باشد. به عبارت دیگر زیان باید فعلیت یافته یا اینکه به یقین و بی تردید در آینده نزدیک پدید آید. زیان های احتمالی و فرضی را نمی توان زیان نامید و به همین دلیل نیز به آن خسارت تعلق نمی گیرد اما زانی که تحقق آن در آینده به ظن قوی صورت پذیرد، مسلم و قطعی محسوب می شود. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

شخصی بودن ضرر

خاص یا ویژه بودن زیان به این معنا است که تنها اشخاص معینی که در اثر عمل کارفرما دچار حادثه شده اند، می توانند خواستار جبران خسارت شوند و نه بقیه کارگران. به عنوان مثال، اگر به علت عدم وجود تجهیزات ایمنی کارگر الف دچار صدمه شود، کارگر ب نمی تواند خواستار جبران زیان شود. (همان)

مستقیم بودن ضرر

زیان مستقیم به این معنا است که باید یک رابطه عرفی مستقیم میان عمل زیان بار و ورود ضرر به کارگر زیان دیده وجود داشته باشد به گونه ای که در نظر عرف ضرر وارده مستقیماً از عمل مذکور ناشی شده باشد. (همان: ۲۰۳)

عدم ناشی شدن زیان از عمل خود کارگر

اگر زیان در نتیجه عمل کارگر زیان دیده باشد، چنین زانی قابل جبران نیست.

کارفرمایان مشمول قانون کار

قانونگذار با آوردن قید "مشمول قانون کار" آن دسته از کارفرمایانی را که مشمول قانون کار نیستند از دایره شمول حکم این ماده خارج ساخته است. مطابق بخش نخست ماده ۳ قانون کار: «کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق السعی کار می کند...» همچنین مطابق ماده ۱ قانون کار در تعریف کارگر: «کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان به دستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار می کند.» بنابراین کسی را می توان کارگر نامید که به دستور کارفرما و بر طبق تعلیماتی که او می دهد کار می کند، تابع کارفرما است و چنانکه او می خواهد انجام وظیفه می کند.

لزوم ایجاد خسارت در حین انجام کار یا به مناسبت آن

قانونگذار احراز رابطه سببیت بین عمل و خسارت وارده در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن را کافی دانسته تا کارفرما مسئولیت پیدا کند. (احمدوند، ۱۳۸۴: ۱۸۸) ماده ۶ قانون تامین اجتماعی مصوب نهم تیرماه ۱۳۵۴ در تعریف حوادث ناشی از کار می گوید: «... حوادثی است که در حین انجام وظیفه و سبب آن برای بیمه شده اتفاق می افتد. مقصود از حین

انجام وظیفه اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا موسسات وابسته یا ساختمان ها و محوطه آن مشغول کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده دار انجام ماموریتی باشد.»

حدود مسئولیت مدنی کارفرما در برابر کارگر در قانون

به نظر می‌رسد که اعتقاد به عدم مسئولیت کارفرما در حقوق ایران، با مقررات مربوط به تسبیب یا مباشرت در جنایت در فقه اسلامی و قوانین و رویه محاکم مخالفت قطعی دارد. توضیح آنکه در وضع کنونی اعتقاد به عدم مسئولیت کارفرما به معنای تخصیص قواعدی است که دیه را از باب تسبیب یا مباشرت بر کارفرما تحمیل می‌کند (مواد ۴۹۲ تا ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و بعید بنظر می‌رسد کسی به این نتیجه ملتزم باشد. از سوی دیگر برخلاف حقوق فرانسه هیچ متن قانونی از عدم مسئولیت کارفرما در مورد حوادث کار سخن نرانده است. برعکس متون متعددی حکایت از مسئولیت مدنی کارفرما در مقابل کارگر دارد. صرفنظر از اطلاق مقررات عام متون ذیل را می‌توان به عنوان قواعدی که به طور خاص حکایت از مسئولیت مدنی کارفرما دارد، ذکر کرد:

حدود مسئولیت مدنی کارفرما در برابر کارگر در قانون مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی اگر چه در مورد مسئولیت کارفرما در قبال فعل کارگر در مقابل اشخاص ثالث وضع شده است و نه در خصوص مسئولیت مدنی کارفرما در مقابل کارگر، اما در فرضی که زیان دیده، خود، کارگر دیگر کارفرما باشد و توسط همکار خود دچار حادثه شده باشد، می‌تواند به عنوان دلیلی برای مسئولیت کارفرما در مقابل کارگر به کار گرفته شود. در واقع هیچ دلیلی وجود ندارد که فرضی را که زیان دیده، خود، کارگر دیگر کارفرما است از شمول اشخاص ثالث مذکور در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی استثنا کنیم. برعکس به جرأت می‌توان گفت که مهمترین مصداق ماده ۱۲ همین مورد است چه این ماده به زیان‌هایی مربوط می‌شود که کارگران «در حین انجام کار یا به مناسبت آن» به اشخاص ثالث وارد می‌آورند. پس با توجه به قلمرو اجرای ماده ۱۲ می‌توان نتیجه گرفت که در عمل در اغلب موارد، کارگران کارفرما، «اشخاص ثالث زیان دیده» را تشکیل می‌دهند. آنچه مذکور افتاد به مسئولیت نیابتی (ناشی از فعل غیر) کارفرما در برابر کارگر مربوط می‌شد. آیا به طریق اولی نمی‌توان نتیجه گرفت که کارفرما از بابت فعل شخصی خود نیز در قبال کارگران مسوول است؟ از جمله موارد زیر این برداشت را تأیید می‌کنند.

حدود مسئولیت مدنی کارفرما در برابر کارگر در مواد قانون تأمین اجتماعی

ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی و بندهای الف و ب ماده ۱ و ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون موسوم به مشاغل سخت و زیان‌آور که امکان رجوع سازمان به کارفرما را در فرض عدم رعایت مقررات ایمنی و بهداشتی و ناکامی در حذف یا کاهش عوامل سخت و زیان‌آور در محیط کار مقرر می‌دارد، حکایت از مسئولیت مدنی کارفرما در صورت ارتکاب تقصیر (عدم رعایت مقررات ایمنی و حفاظت فنی و استانداردهای لازم) دارد؛ چه همانگونه که بارها گفته شد دعوی سازمان به قائم مقامی از زیان دیده صورت می‌گیرد. همچنین است ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی که به سازمان حق رجوع به کارفرما را در صورت تقصیر او در انتخاب کارگر داده است. قانون کار در این مورد می‌گوید: ماده ۹۵ قانون کار هم مقرر می‌دارد: «مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی بهداشت کار بر عهده کارفرما یا مسوولین واحدهای ذکر شده در ماده ۸۵ خواهد بود. هرگاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسوولین واحد حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسوول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسوول است.»

- مطابق تبصره ۲ ماده ۶۰ قانون کار: «در صورت عدم تأیید ضرورت کار اضافی توسط اداره کار و امور اجتماعی محل، کارفرما مکلف به پرداخت غرامت و خسارت وارده به کارگر خواهد بود».

ماده ۳۱ قانون کار قابل توجه است: «چنانچه خاتمه قرارداد کار به لحاظ از کارافتادگی کلی و یا بازنشستگی کارگر باشد، کارفرما باید براساس آخرین مزد کارگر نسبت به هر سال سابقه خدمت، حقوقی به میزان ۳۰ روز مزد به وی پرداخت نماید. این وجه علاوه بر مستمری از کارافتادگی و یا بازنشستگی کارگر است که توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود». همانگونه که خواهیم دید، هر چند مستمری بازنشستگی ارتباطی به خسارت وارد شده به کارگر و در نتیجه مسئولیت مدنی ندارد، مستمری از کارافتادگی جنبه غرامتی دارد. این برداشت، صرفنظر از آنچه خواهد آمد، بوسیله عنوان صدر مبحث چهارم از فصل ششم قانون کار (که مواد ۳۱ و ۳۲ مذکور در ذیل آن قرار گرفته‌اند)، تأیید می‌شود چه عنوان این مبحث «جبران خسارت از هر قبیل و پرداخت مزایای پایان کار» می‌باشد.

موارد معافیت کارفرما از مسئولیت

یک عمل زیان بار ممکن است در شرایطی انجام گیرد که خطا کارانه تلقی نشود. به طور کلی باعث آن این است که مسبب زیان، از تکلیفی پیروی کرده که از آنچه که وی ناچار به نقض آن شده است؛ مهمتر بوده است.

در مورد تاثیر قوه ی قاهره باید گفت: در خسارت عدم انجام تعهدات قراردادی، قانونگذار در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م. وجود قوای قاهره و آفات ناگهانی را سبب معاف شدن مدیون از دادن خسارت اعلام می کند. قوه قاهره یا نیروی بازدارنده، اجرای تعهد را غیر ممکن می سازد و تعهد نسبت به امر غیرممکن، نامعقول و بیرون از امر و نهی قانون خواهد بود (شهیدی، ۱۳۸۶: ۶۴). قوه قاهره در صورتی از متعهد سلب مسئولیت می کند که:

- ۱- خارجی باشد و نتوان به متعهد یا مقصر مربوط کرد (ماده ۲۲۷ ق.م.)
- ۲- غیر قابل پیش بینی باشد و شخص به صورت معمول انتظار وقوع آن را نداشته باشد.
- ۳- احتراز ناپذیر باشد و شخص نتواند آن را دفع کند و گرنه مسئول است (ماده ۲۲۹ ق.م.)
- ۴- اگر حادثه ناشی از قوه قهریه، مانعی موقت در اجرای تعهد پدید آورد، تعهد فقط معوق می‌ماند. اگر مانع ناشی از قوه قهریه طبیعی باشد؛ متعهد بودن تادیه خسارت از اجرای تعهد معاف است و اگر هر یک از طرفیت قرارداد ملزم به اجرای تعهدی بوده اند، طرف مقابل نیز از اجرای تعهد خود معاف است.

قوه قاهره

اثر دخالت قوه قاهره را باید در جایی که علت منحصر حادثه زیان بار است یا موردی که یکی از اسباب آن محسوب می شود جداگانه بررسی کرد:

۱- در صورتی که ثابت شود زیان مورد درخواست در نتیجه قوه قاهره (مانند زلزله، سیل و جنگ) به بار آمده است. خواننده دعوی از مسئولیت معاف می شود، هر چند که مسئولیت او به موجب قانون مفروض باشد. زیرا معلوم می شود که او در ایجاد ضرر دخالت نداشته است.

۲- در موردی که قوه قاهره تنها یکی از اسباب ورود خسارت است، آیا می توان آن را در زمره سایر تقصیرها آورد و از بار مسئولیت سایرین کاست؟

دادگاه های فرانسه مقرر چنین کرده اند و قوه قاهره را نیز یکی از اسباب ورود ضرر شمرده اند و در صورتی که عدم اجرای تعهد مربوط به قوه قاهره^۱ یا حوادث اتفاقی آشد، متعهد ملزم به جبران خسارت نخواهد بود (ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه) ولی این رویه با پذیرش تئوری تقصیر سازگار نیست، زیرا حقوق در جستجوی همه اسباب ایجاد کننده ضرر نیست. نتیجه منطقی نظریه تقصیر این است که دادرس، از میان همه شرایطی که زمینه ورود خسارت را فراهم آورده اند، به گروهی بپردازد که ناشی از تقصیر است (ره پیک، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

قوه قاهره خواه نیروی طبیعی باشد و خواه نیروی انسانی، رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر را قطع می کند. در موارد فرض تقصیر هنگامی که فاعل زیان ثابت کند که قوه قاهره موجب بروز خسارت شده است و در نتیجه نمی توان فعل زیان بار را به وی منتسب نمود، وی از مسئولیت مبری می شود و در نتیجه تقصیر فرض شده نیز اثر حقوقی خود را از دست می دهد.

فعل شخص ثالث

در مواردی که فعل ثالث تنها سبب ورود ضرر است، اثبات این امر کسی را که به ظاهر مسئول قلمداد شده است، از مسئولیت بری می سازد. زیرا در چنین حالتی معلوم می شود که بین فعل خواننده و حادثه زیان بار رابطه ی علیت وجود ندارد. همچنین است در موردی که به کالای حمل شده خسارتی وارد می شود و متصدی حمل و نقل ثابت می کند که خسارت در نتیجه فعل ثالث به بار آمده و امکان احتراز از آن وجود نداشته است (ماده ۳۸۶ قانون تجارت) باید دانست که تنها در چنین صورتی است که اثبات دخالت فعل ثالث به عنوان علت منحصر ورود ضرر، از طرف خواننده مورد پیدا می کند. در جایی که برای خواننده مسئولیتی فرض نشده و علت وقوع حادثه نیز شخص دیگر است چون خواهان نمی تواند رابطه سببیت بین ورود ضرر و فعل خواننده را اثبات کند او نیز نیازی ندارد تا دخالت ثالث را در دادگاه مطرح سازد. بنابراین، دخالت شخص ثالث بیشتر در مواردی اهمیت پیدا می کند که خطای خواننده و رابطه سببیت بین این خطا و خسارت ثابت شده است و او به منظور کاستن از مسئولیت خود ادعا می کند که تنها عامل ورود ضرر نبوده و خطای شخص ثالثی نیز در این راه موثر بوده است. قطع رابطه سببیت به واسطه اثبات تاثیر فعل ثالث در ورود زیان نیز می تواند از میزان مسئولیت فاعل زیان کاسته و یا وی را از مسئولیت معاف کند.

تقصیر زیان دیده

در موردی که مسئولیت عامل ورود زیان مفروض است، مانند مسئولیت متصدی حمل و نقل یا دارنده وسیله نقلیه موتوری زمینی، اثر تقصیر زیان دیده را بدین شرح می توان خلاصه کرد:

۱- در صورتی که عامل بخواهد از مسئولیت به کلی معاف شود، باید ثابت کند که ورود ضرر را به او نمی توان منسوب کرد، وسیله نقلیه در وقوع حادثه نقش فعال نداشته و علت منحصر آن فعل زیان دیده بوده است. (ماده ۵۰۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲)

۲- در صورتی که ثابت شود تقصیر زیان دیده در وقوع حادثه دخالت داشته است، مسئولیت عامل از بین نمی رود، ولی با اثبات تقصیر زیان دیده معلوم می شود که تحقق ضرر دو علت داشته است و باید زبانی که به بار آمده بین آن دو تقسیم شود.

نحوه جبران خسارت

بخش اخیر ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی به کارفرما اجازه داده است که پس از جبران خسارت اشخاص ثالث، به کارگر یا کارمندی که زیان را وارد کرده است رجوع کند. این قاعده نشان می دهد که مسئولیت کارفرما جنبه ی تضمینی دارد و مدیون

واقعی خسارت که در نتیجه تقصیر کارگر به بار آمده خود اوست. به همین دلیل هم باید پذیرفت که حکم ماده ۱۲ مانع از رجوع زیان دیده به کارگر نیست. به بیان دیگر، در موردی که کارگر در اثر بی مبالاتی خود زیانی به دیگری می زند، برای جبران آن دو مسئول وجود دارد: کارگر که مدیون مستقیم آن است و کارفرما که برای تضمین دین کارگر مسئول قرار گرفته است. این دو در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند و زیان دیده در رجوع به هر یک از آنها به طور مستقل یا به هر دو آزاد است.

اختیار رجوع کارفرما به کارگر بیشتر برای این است که کارگر بی مبالا نیز خود را آزاد نبیند و از مسئولیت به کلی معاف نباشد و گرنه به موجب ماده ۱۳ همان قانون، کارفرما مکلف شده است که تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارت وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه کند. حق بیمه را کارفرما در زمره هزینه های کارگاه می آورد و خسارت را شرکت بیمه می پردازد. پس رجوع او به کارگر یا کارمند خطاکار نه از نظر اقتصادی کار با صرفه ای است و نه از لحاظ سیاست اداری کارگاه عملی به نظر می رسد. با وجود این، در مواردی که کارفرما به تکلیف خود درباره بیمه خسارت اشخاص ثالث عمل نکرده است و خسارتی که به بار آمده سنگین و به وسیله گروهی از کارگران وارد شده است، رجوع کارفرما به مسئولان حادثه در عمل نیز مفید است. ماده ۱۴ نیز در مقام پیش بینی چنین مواردی، مقرر دارد: "در مورد ماده ۱۲ هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند، متضمناً مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرفین تعیین خواهد شد." (غمامی، ۱۳۷۶: ۹۲)

با توجه به اینکه محقق شد که کارفرما می تواند به کارگر خود رجوع کند و مسئولیت وی در مقابل اعمال کارگر با تئوری تقصیر کافی امکان رجوع وی به کارگر نمی باشد، لازم است در این بخش به این نکته اشاره شود که جهت این مراجعه شرایطی لازم و ضروری می باشد.

اصل لزوم جبران خسارت توسط کارفرما

رای شماره ۱۰۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص الزام کارفرما و سازمان تأمین اجتماعی به انجام تکالیف قانونی خود نسبت به پرداخت حق بیمه مورخه ۸۷/۱۱/۱ نیز موید این مطلب است. در این رای آمده است... نظر به اینکه سازمان تأمین اجتماعی به حکم بند (الف) ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی مکلف است افرادی را که به هر عنوان در مقابل دریافت مزایای حقوق کار می کنند و به تشخیص مراجع صالح کارگر شناخته می شوند، تحت پوشش این قانون قرار دهد و به تکلیف قانونی خود عمل نماید با توجه به اینکه به موجب ماده ۱۴۸ قانون کار کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون کار مکلفند بر اساس مقررات قانون تأمین اجتماعی نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند و به موجب ماده ۳۶ قانون مزبور کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد. فلذا سازمان طرف شکایت در اجرای ماده ۱۸۳ قانون کار و مواد ۳۹ و ۴۰ و ۴۷ و ۴۸ قانون تأمین اجتماعی باید با رعایت مقررات مربوط به تکلیف قانونی خود در خصوص احتساب سوابق حق بیمه پرداخت نشده شاکی اقدام نمایند و شکایت در این حد وارد و رأی به ورود آن صادر و اعلام می دارد.

جبران خسارت زیان دیده توسط کارفرما

با توجه به اینکه یکی از اهداف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده می باشد لذا در صورتی که زیان دیده بتواند خسارت خود را از کارفرما مطالبه کند وی می تواند به کارگر مقصر رجوع کند. این جبران خسارت می تواند با اعاده وضع سابق، پرداخت معادل و یا هر شیوه دیگری صورت بگیرد.

امکان رجوع کارفرما به کارگر

امکان رجوع کارفرما به کارگر در صورتی است که کارگر مرتکب سهل انگاری، بی احتیاطی و یا هر گونه تقصیر دیگری شده باشد؛ بصورتی که تقصیر و کوتاهی وی در انجام وظیفه محوله موجب بروز خسارت شده باشد. چرا که همانگونه که قبلاً اشاره شد مسئولیت کارفرما و کارگر ملازمه ای با یکدیگر ندارد. ممکن است دعوی در این ارتباط مطرح شود و کارفرما به دلیل عدم رعایت نظامات ایمنی، یا نقص در دستگاه های محل کار محکوم به پرداخت خسارت به زیان دیده گردد که در این مثال دیگر کارفرما نمی تواند به کارگری که هیچگونه تقصیری در بروز خسارت نداشته است مراجعه نماید.

فرض تقصیر در مسئولیت کارفرما برای جبران خسارت

با نگاهی گذرا به کتب و مقالات به نگارش درآمده در خصوص مسئولیت کارفرما مشاهده می شود که بحث بر سر اینکه مسئولیت کارفرما بر مبنای فرض تقصیر استوار است یا نظریه خطر و یا همانگونه که در حقوق برخی کشورها اشاره شده مبتنی بر نظریه تضمین و یا نمایندگی می باشد وجود دارد و هر کدام از این نظریه ها طرفداران و مخالفانی دارد. با توجه به اینکه ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ما از ماده ۵۵ قانون سوئیس الهام گرفته است در کشورهای رومی ژرمنیز مسئولیت کارفرما بر مبنای فرض تقصیر استوار است (احمدوند، ۱۳۸۴: ۱۰)، این نظریه در میان حقوقدانان ایرانی نیز طرفدارانی یافته است. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

یکی از مخالفان نظریه فرض تقصیر در مسئولیت کارفرما چنین گفته است: «به زعم ظاهر منطقی استنتاج فوق (پذیرش فرض تقصیر در مسئولیت کارفرما) قبول این نتیجه مشکل بوده و با قواعد و مبانی مسئولیت در حقوق ما سازگار نیست. در واقع پیش فرض تقصیر کارفرما، مبنی بر این است که کارفرما در اداره امور کارگاه مرتکب تقصیر شده و به دلیل این تقصیر که مربوط به سوء مدیریت و نداشتن نظارت شایسته و معقول بر فعالیت های کارکنان است یا به سبب گذاشتن ابزار نامناسب در اختیار کارکنان و یا نهایتاً استخدام و ارجاع امور به کارگران و کارمندان غیر متخصص، سهل انگار و نالایق، به ثالث خسارت وارد شده است. فرض تقصیری که ارتباط و نزدیکی با ایراد خسارت به غیر نداشته، با امکان مراجعه به کارگر و کارمندی که نهایتاً فعل و خطای او موجب خسارت شده، و در نتیجه تحمل بار نهایی مسئولیت توسط کارکنان، ناصواب و غیر عادلانه به نظر می رسد.» (بابایی، ۱۳۸۰: ۱۳۶)

هر چند این ماده از زمان تصویب آن بدون تغییر مانده است اما به مقتضای موارد تفسیرهای متفاوتی از آن صورت گرفته است که حقوقدانان ام روزه، بر خلاف حقوقدانان قدیم به نظریه فرض تقصیر در مسئولیت کارفرما اعتقادی ندارند و این امر برای ایشان مسلم است که مبنای مسئولیت کارفرما ناشی از افعال زیانبار کارگران، فرض تقصیر نیست و مطابق رویه قضایی فرانسه برای احراز مسئولیت کارفرما نیازی به اثبات تقصیر نیست. (بابایی، ۱۳۸۰: ۷) بی ارتباط نمی باشد که در این خصوص به ماده ۱۷۴ قانون مدنی جدید مصر نیز اشاره ای داشته باشیم که آورده است: «۱- متبوع، مسئول ضرر ناشی از عمل غیر مشروع تابع خود می باشد، که در حال انجام وظیفه یا به سبب آن انجام داده است. ۲- هر چند متبوع، در انتخاب تابع آزاد نباشد، ولی هر گاه بالفعل قدرت نظارت و توجیه او را دارا باشد، رابطه استخدامی برقرار است.»

این ماده قانون مدنی مصر را می توان در ردیف مسئولیتی قرار داد که قانونگذار ایران برای کارفرما قائل شده است. دو عنصر لازم برای تحقق مسئولیت متبوع وجود دارد. اول اینکه رابطه استخدامی موجود باشد (بند دو ماده ۱۷۴ قانون مدنی مصر) و دوم این است که تقصیر تابع در حال انجام وظیفه و یا به سبب آن باشد. (سنهوری، ۱۳۸۴: ۲۲۶) همانطور که ملاحظه می شود این شروط در قانون ایران نیز برای مسئولیت کارفرما برقرار است چرا که برای استناد به تقصیر مفروض کارفرما، باید

رابطه کارگر و کارفرمایی برقرار باشد و همچنین فعل کارگر نیز در حال انجام وظیفه باشد. ضمناً مبانی این فرض در قانون مصر، همان مبانی فرض تقصیر کارفرما در قانون ایران می باشد که اثبات خلاف آن از سوی کارفرما امکان پذیر می باشد، لذا از تکرار این موارد خودداری می کنیم.

جبران خسارت توسط سرپرست

در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران آمده است: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر، قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر، زیان جبران خواهد شد و در هر یکی از حقوقدانان برجسته در تبیین شرایط ایجاد مسئولیت مدنی والدین در قبال افعال زیانبار فرزندان می نویسد: «بیگمان خسارتی که از فعل فرزند وارد می شود باید چنان باشد که در دید عرف بتوان فعل زیانبار را به وی نسبت داد و به عنوان قاعده کلی می توان گفت پدر و مادری که عهده دار حضانت از کودک یا دیوانه است در صورتی ضامن خسارت ناشی از اعمال آنها است که بر طبق قواعد مسئولیت مدنی، بتوان کودک یا دیوانه را مسئول شمرد. از سوی دیگر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی منافاتی با ضمان صغیر و مجنون نسبت به خسارتی که به دیگران می زنند (ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی) ندارد؛ و نباید پنداشت که ماده ۱۲۱۶ توسط قانون مسئولیت مدنی نسخ شده است لذا متضرر می تواند از هر دو ضمان برای جبران خسارت خود استفاده کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۹۹)

به نظر می رسد با در نظر گرفتن مبانی و فواید مشترکی که در حقوق تمام کشورها از مسئول دانستن والدین بخاطر افعال فرزندان سرغ می رود، مفروض دانستن تقصیر والدین به هنگام صدور افعال نامشروع ایشان در قانون ایران نیز مناسب است، چرا که بنابر صراحت ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری اطفال تکلیف والدین است و همین حضانت سبب می شود والدین در برابر دیگران مسئول اعمال فرزندانشان قرار گیرند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷۰۵) لذا در صورتی که فرض تقصیر نیز در این موارد لحاظ گردد، والدین تلاش بیشتری در نگهداری و مواظبت و تربیت فرزندانشان خواهند نمود و از سوی دیگر زیان دیدگان نیز سریعتر به جبران خسارت خویش نائل می آیند. همچنانکه یکی از حقوقدانان (درویدیان، ۱۳۷۶: ۱۱) در این مورد می گویند: «در حقوق ایران، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ملهم از مواد ۸۲۹ و ۸۳۲ قانون مدنی آلمان است. از این رو، حکم مندرج در آن شامل همه کسانی می شود که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً بر حسب قرارداد بر عهده آنان است. ولی در حالی که ماده ۸۳۲ قانون مدنی آلمان متضمن فرض تقصیر علیه شخصی که به موجب قانون یا قرارداد عهده دار مواظبت است تلقی شده است، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ما به گونه ای نگارش یافته که چنین فرضی در آن مشاهده نمی شود. برای آنکه عمل مقنن در اختصاص دادن ماده ای مستقل (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی) به مسئولیت مدنی سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون عملی بیهوده و دوباره کاری تلقی نشود؛ چه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به عنوان یک قاعده عام و کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر اشخاص را پیش بینی نموده و اگر قرار باشد که برای ملزم ساختن سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون به جبران خسارت وارده توسط اینان، تقصیر سرپرست و محافظ به اثبات برسد، همان ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی کفایت می کرده است. به نظر برخی از حقوقدانان بهتر آن است که رویه قضایی ما نیز ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران را همانند مواد مشابه آن در قوانین مدنی کشورهای خارجی، متضمن فرض تقصیر علیه سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون تلقی کند به ویژه آنکه در حال حاضر در حقوق ایران ضمان عاقله بر مبنای تقصیر استوار نیست، بلکه مسئولیتی نوعی است که بر پایه تضمین حق زیان دیده و تعاون و همبستگی مبتنی است.»

نتیجه گیری :

نتایجی را که می توان از این تحقیق گرفت مختصراً می توان در چند بند زیر تشریح نمود:

۱- در دعاوی مسئولیت مدنی قاعده اصلی این است که زیان دیده جهت مطالبه خسارت می بایست تقصیر فاعل زیان بار را در ورود خسارت به اثبات برساند، اما مواردی وجود دارد که استثنایی بر این قاعده اولیه وارد آورده است و ضرورت اثبات تقصیر توسط زیان دیده را حذف نموده که از این موارد به "فرض تقصیر" تعبیر شده است. با این توضیح که در موارد خاص بیان شده در تحقیق، قانونگذار بنا به دلایل و توجیهاتی که از آن به مبانی عام و خاص فرض تقصیر تعبیر می شود، تقصیر فاعل زیان را در ورود خسارت اثبات شده در نظر گرفته و بار اثبات تقصیر را از دوش زیان دیده برداشته و فاعل زیان جهت دفاع از خود می تواند با اثبات بی تقصیری و یا اثبات فورس ماژور و قطع رابطه سببیت بین فعل وی و خسارت وارد شده خود را از مسئولیت مبری سازد. باید یادآور شد که؛ چنین فرضی در مورد اثبات رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان دعاوی مسئولیت مدنی نیز وجود دارد که از آن به "فرض سببیت" تعبیر می شود.

۲- در حوزه مسئولیت قراردادی مواردی وجود دارد که قانونگذار بنا به مصالحی برای برخی از افراد مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر قائل شده است، اگر چه در تحلیل مصادیق آن بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد با این توضیح که گروهی فرض مسئولیت را بجای فرض تقصیر قبول دارند و گروهی به مسئولیت مطلق گرایش دارند. مسئولیت متصدی باربری دریایی و متصدی حمل و نقل از جمله مثال های مهم در این نوع مسئولیت است. حقوقدانانی که تعهدات قراردادی این نوع مسئولیت را تعهد به وسیله می دانند، پذیرش فرض تقصیر را نپذیرفته اند و فرض تقصیر را برای مواردی راهگشا می دانند که تعهد به نتیجه باشد که مخالفان در پاسخ این استدلال اظهار داشته اند هنگامی که بحث در تعهد به نتیجه باشد بحث مسئولیت مطلق مطرح است و فاعل زیان با اثبات هیچ مطلبی نمی تواند خود را از مسئولیت معاف سازد. برخی بیان نموده اند که با توجه به ماهیت تعهدات قراردادی متصدیان حمل و نقل و اهمیت تاثیر صحت عملکرد آنان در پیشرفت های روابط اقتصادی و برداشت هایی که از مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی در خصوص پذیرش فرض تقصیر می شود، پذیرش فرض تقصیر در این تعهدات کاملاً مستدل و راه گشا می باشد، چرا که طرفین با انعقاد قرارداد بصورت ضمنی اقرار می نمایند که موضوع تعهد برای آنان قابلیت اجرایی دارد. لذا عدم ایفای تعهدات قراردادی به هر دلیلی که باشد اماره ای بر تقصیر متعهد بوده و تا زمانی که فورس ماژور اثبات نشده و رابطه سببیت قطع نگردیده است، این مسئولیت پابرجاست. اما دقت در این نکته که بر خلاف مصادیق فرض تقصیر که فاعل زیان با اثبات بی تقصیری با هر دلیلی می تواند از مسئولیت مبری شود، اما در برخی مصادیق از جمله ماده ۲۲۷ قانون مدنی و یا مسئولیت متصدی حمل و نقل که تنها با اثبات فورس ماژور فاعل زیان از مسئولیت مبری می شود، پذیرش فرض تقصیر را در هاله ای از ابهام قرار می دهد.

۳- در محدوده مسئولیت قهری که در سه بخش مسئولیت ناشی از فعل شخصی و مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت ناشی از مالکیت یا تصرف مطرح می شود می توان مواردی را تعیین نمود که قانونگذار برای آنها فرض تقصیر در نظر گرفته است. مسئولیت کارفرما ناشی از فعل کارگر در حقوق داخلی از بارزترین مصادیق این حوزه می باشد. البته پذیرش فرض تقصیر در این مسئولیت مخالفانی نیز دارد اما تعداد زیادی از صاحب نظران حقوقی این فرض را در این مصداق پذیرفته اند. پذیرش فرض تقصیر در مسئولیت والدین و سرپرستان در کشورهایی همچون مصر و فرانسه با استقبال رو به رو شده و والدین و سرپرستان مسئول خساراتی معرفی می شوند که طفل یا کارآموزی که تحت سرپرستی و تربیت ایشان قرار دارند. این در حالی است که در حقوق داخلی در این موارد می بایست تقصیر والدین یا سرپرست به اثبات برسد. مسئولیت ناشی از تصرف یا

مالکیت نیز یکی از حوزه هایی است که در حقوق خارجی برای آنها فرض تقصیر پذیرفته شده است اما نگارنده در حقوق داخلی نتوانسته برای آن مصداق بارزی پیدا کند. البته اگر چه از این مصادیق با عنوان فرض تقصیر نام برده شده اما مسئول تنها با اثبات قوه قاهره می تواند از مسئولیت مبری شود که مطابق بررسی های انجام شده این مسأله با فرض تقصیر سازگار نمی باشد.

۴- در بخش حقوق کیفری و با بررسی مواد مرتبط قانون مجازات اسلامی بخصوص در فصل موجبات ضمان، مشاهده می شود که مثالی در خصوص پذیرش فرض تقصیر در این بخش حقوقی وجود ندارد.

۵- گفته شد که، بر اساس ماده ۹۵ قانون کار، مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار بر عهده کارفرما یا مسئولان واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵ این قانون خواهد بود. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ممکن است کارفرما به طور مستقیم دخالتی در ورود خسارت نداشته باشد اما از باب حمایت از کارگر، قانونگذار کارفرما را مکلف به جبران خسارت کرده است، به همین دلیل به خصوص در برخی فعالیتها الزاماتی برای بیمه کردن کارگر وجود دارد. در این زمینه قانونگذار در ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرمایان کارگاههای مشمول این قانون را مکلف کرده است که بر اساس قانون تأمین اجتماعی، نسبت به بیمه کردن کارگران واحد خود اقدام کنند. بر این اساس، هر کارفرمایی مکلف است کارگران ثابت و دایم خود را بیمه کند تا اگر خساراتی در حین کار به کارگر وارد شد، از طریق بیمه جبران شود. سازمان تأمین اجتماعی در تمام مواردی که زیان دیده می توانسته است به اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه کارفرما مبادرت ورزد می تواند پس از جبران خسارت زیان دیده، همان حق را علیه کارفرما بدست آورد.

منابع و مأخذ:

الف) کتب

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۶). حقوق تجارت، جلد اول، چاپ دهم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. ایزانلو، محسن (۱۳۸۲) شروط ساقط کننده و محدودکننده مسئولیت در قراردادها، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، بابایی، ایرج (۱۳۸۲) حقوق بیمه، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت،
۳. بادی، علی (۱۳۸۹) نظریات حقوقی در باب مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات مجد.
۴. تنک، دالوز، (۱۹۵۶) مبنای مسئولیت مدنی، ترجمه گیتی خرسند، انتشارات ققنوس، تهران
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۲). دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۶. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول و دوم، تهران، گنج دانش (۱۳۸۱).
۷. حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۷). مسئولیت مدنی، چاپ اول، مجمع علمی فرهنگی مجد، تهران.
۸. درودیان، حسنعلی، (۱۳۸۱-۱۳۸۰) الزامات خارج از قرارداد (حقوق مدنی ۴)، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۹. دوپیرو و همکاران، (۲۰۰۱) مسئولیت مدنی ناشی از کار، ترجمه حسن درودیان، تهران، انتشارات مجد.
۱۰. رنه، داوید، کامی ژوفره اسپنوزی (۱۹۹۷)، مسئولیت مدنی در بیمه، ترجمه مهدی اشک ورز، تهران، انتشارات سپیدار،
۱۱. ره پیک، حسن. (۱۳۸۸). حقوق مسئولیت مدنی وجبران ها، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۲. حقوق مدنی (الزامات بدون قرارداد)، تهران، انتشارات خرسندی (۱۳۸۰).
۱۳. رپر توار، جیمز (۱۹۹۲) حقوق کار، جلد سوم، ترجمه علی هشتگردی، تهران. انتشارات مرکز نشر،

۱۵. زنجانی، عمید. (۱۳۸۲). موجبات ضمان، تهران. نشر میزان،
۱۶. ژوردن، پترس. (۱۳۸۶). تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی، مجید ادیب (مترجم)، چاپ اول، تهران. نشر میزان،
۱۷. سنهوری، عبدالرزاق. (۱۳۸۴). دوره حقوق تعهدات، دادمرزی، مهدی ودانش کیا، محمد حسین. (مترجمین) قم. انتشارات دانشگاه قم،
۱۸. سن - ژور، رساله تأمین اجتماعی، ترجمه آنوسا جواهری پور، جلد دوم، تهران، انتشارات راستین،
۱۹. ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۳). حقوق تجارت، جلد دوم، تهران. نشر دادگستر،
۲۰. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). آثار قراردادهای تعهدات، جلد سوم، چاپ سوم، تهران. انتشارات مجد،
۲۱. صفایی، حسین. و رحیمی، حسن. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ اول، تهران. انتشارات سمت،
۲۲. حقوق تعهدات، کلیات حقوق تعهدات، تهران نشر میزان (۱۳۷۸).
۲۳. طباطبائی وهمکاران (۱۳۸۸) مبنای جبران خسارت، تهران انتشارات گنج دانش،
۲۴. غمامی، مجید. (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت نسبت به کارکنان خود، تهران. انتشارات دادگستر،
۲۵. قاسم زاده، مرتضی. (۱۳۸۷). مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران. نشر میزان،
۲۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران. انتشارات دانشگاه تهران،
۲۷. حقوق مدنی - اعمال حقوقی، تهران. شرکت سهامی انتشار (۱۳۸۶).
۲۸. الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ نهم، تهران. نشر میزان (۱۳۹۰).
۲۹. مسئولیت مدنی (قواعد عمومی)، تهران. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران (۱۳۹۰).
۳۰. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی (مسئولیت های خاص و مختلط)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
۳۱. لوییس، اندره، (۱۹۹۹) مبنای جبران خسارت در حقوق کامن لا، ترجمه محمد دریابیگی، تهران. انتشارات میزان،
۳۲. لورسا، میشل (۱۳۷۵) مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، چاپ اول، تهران انتشارات موسسه حقوق تطبیقی،
۳۳. - محمود صالحی، جانعلی، (۱۳۷۸). حقوق زیاندیدگان و بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران،
۳۴. گستن، ریموند، (۱۹۷۳)، مسئولیت مدنی و جبران خسارت، ترجمه عزیزاله میرابی، انتشارات فروزش، تهران، ۱۳۷۹
۳۵. موحدیان، غلامرضا، (۱۳۸۱) حقوق کار، بانضمام مباحثی از بیمه‌های تأمین اجتماعی کارگران، تهران، انتشارات فکر سازان، چاپ اول،
۳۶. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱). قواعد فقه، مبحث قاعده لاضرر، تهران. انتشارات سمت،
۳۷. محمدی، علی. (۱۳۹۰). مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران. موسسه انتشارات دانشگاه تهران،
۳۸. موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۸۸) المکاسب، فقه مدنی (شرحی تحلیلی - انتقادی بر مکاسب شیخ انصاری)، تهران: مجد.
۳۹. مولاکرمی، شیوا (۱۳۹۵) بیمه های مسئولیت مدنی شغلی و حرفه ای، تهران انتشارات مجد،
۴۰. (ب) پایان نامه ها
۴۱. احمدی راد، حسین. (۱۳۸۵). اثر تقصیر زیان دیده در مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۴۲. آرتیدار، طوبی. (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی کارفرما موضوع ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۴۳. غلامی، ناصر. (۱۳۹۰) فرض سببیت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا.

ج) مقالات

۴۴. احمدوند، وحید. (۱۳۸۴) مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی کارفرما در سیستم حقوق ایران و فرانسه. مجله مصباح، شماره ۶۱.
۴۵. اصغری، شهریار. (۱۳۸۵). تأثیر میزان تقصیر در مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهشنامه ی حقوق و علوم سیاسی، شماره دوم و سوم.
۴۶. اصلانی، حسن. (۱۳۸۴). مفهوم و جایگاه تقصیر، مجله الهیات و حقوق، شماره پانزده و شانزده.
۴۷. امید، هادی. (۱۳۵۳). حقوق دریایی، نشریه مدرسه عالی بیمه، شماره ۳
۴۸. بابایی، ایرج. (۱۳۸۰). مبنای مسئولیت کارفرمایان در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی. پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵.
۴۹. خانی، محمدرضا. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی دولت. مجله وکالت، شماره ۳۵ و ۳۶.
۵۰. درودیان، حسن. (۱۳۷۶). مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر یا مجنون، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۶۰.
۵۱. قربان پور، احمد. (۱۳۸۵). تقصیر و رابطه سببیت در نظام مسئولیت مدنی، مجله حقوقی، شماره ۵۴.
۵۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
۵۳. نظری، احمد (۱۳۸۱). مسئولیت مدنی خسارات ناشی از تصادفات، مجله ندای صادق، شماره ۲۶ و ۱۳.

